

شناسایی چالش‌های پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی حسابداری

ابزارهای مشتقه: با تأکید بر الزامات افشا

راضیه ماه آورپور^۱ / شهناز مشایخ^۲ / علی رحمانی^۳

چکیده

با توجه به نقش مهم مشتقات مالی در اقتصاد، هدف این پژوهش شناسایی چالش‌های افشای اطلاعات در ارتباط با ابزارهای مشتقه در محیط گزارشگری ایران و طبق چارچوب استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی است.

این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه با ۱۵ نفر از خبرگان حسابرسی، حسابداری و بازار سرمایه ایران، چالش‌های افشای اطلاعات اوراق مشتقه و حسابداری مصون‌سازی را طبق IFRS 7 و IFRS 9^۱ شناسایی و ارائه می‌نماید.

چالش‌های شناسایی شده در خصوص شناسایی، اندازه‌گیری و افشای ابزارهای مشتقه موجب میشوند رعایت الزامات در عمل چالش‌انگیز شود. یافته‌ها نشان می‌دهد پیچیدگی و دشواری پیاده‌سازی الزامات افشا در عمل به علاوه کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا و عدم شفافیت در گزارشگری مالی در کنار ضعف الزامات و ضمانت‌های اجرایی در محیط گزارشگری ایران می‌تواند بر اثربخشی استاندارد یادشده و گزارشگری ابزارهای مشتقه اثر منفی داشته باشد و منجر به ضعف در ارائه اطلاعات کافی، قابل مقایسه، سودمند و قابل اتکا در این حوزه گردد.

واژگان کلیدی: اوراق مشتقه، IFRS 7، افشا، حسابداری مصون‌سازی.

طبقه‌بندی موضوعی: M41

۱. مربی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) Mahavarpour_r@pnu.ac.ir

۲. دانشیار، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۳. استاد، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

۱- مقدمه

در طول چند دهه گذشته، استفاده از مشتقات مالی افزایش یافته است، و در نتیجه حسابداری برای این ابزارهای مشتقه به میزان زیادی تکامل یافته است. شاید در نتیجه این رشد، نقشی که مشتقات در بازارهای سرمایه بازی می‌کند توجه زیادی را از طرف محققان، قانونگذاران و استفاده‌کننده‌های صورت‌های مالی به خود معطوف کرده است. مبادله ریسک و بازده در قلب سرمایه‌گذاری تجاری است، و مشتقات به عنوان ابزار مهمی پدیدار شده‌اند که مدیران برای کاهش نتایج ریسک‌های نامطلوبی که شرکت‌هایشان با آن مواجه می‌شوند، مورد استفاده قرار می‌دهند (Campbell, 2019; Mauler & Pierce).

ابزارهای مشتقه می‌توانند هم برای اهداف تجاری و هم مصون‌سازی مورد استفاده قرار بگیرند. زیانه‌ای عظیم اخیر حاصل از مشتقات، نگرانی‌ها در مورد استفاده و افشا مناسب ابزارهای مالی و به خصوص ابزارهای مشتقه را برجسته کرد (Birt et al., 2013). در سال ۲۰۰۸-۲۰۰۷، دنیا بزرگترین بحران مالی بعد از سال ۱۹۲۹ را تجربه کرد که طی سال‌های بعد به عمیق‌ترین و طولانی‌ترین دوره رکود اقتصادی در تاریخ مدرن تبدیل شد. گرچه توضیحات بسیاری برای علل بحران فوق مطرح شد اما توافق عمومی بر این بود که مشتقات مالی نقش بسزایی در ایجاد شرایط وقوع بحران و سپس در تسریع نکول در صنعت اوراق بهادار مبتنی بر تسهیلات مسکن داشته‌اند تا جایی که به انهدام سیستم مالی جهانی انجامید (Krachkovskaya, 2015). افشای ریسک برای کارآیی بازارهای مالی و ثبات مالی کلی از اهمیت استراتژیک برخوردار است و نقش اساسی در تقویت انضباط بازار و ایجاد اعتماد به منظور بهبود روابط با ذینفعان دارد (Scannella & Polizzi, 2019).

چنانچه تنوع مشتقات و انعطاف‌پذیری آنها به عنوان ابزار مالی در خدمت‌رسانی به نیازها و اهداف طرف مقابل در نظر گرفته شود، جای تعجب نخواهد داشت که مشتقات فوق، بخش رو به افزایشی از صنعت مالی را طی دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده‌اند (Minehan & Simons, 1995).

در حقیقت، از اولین تحقیقاتی که درباره بازار مشتقات صورت پذیرفت (Kambhu, 1996 et al.) تا کنون، مشخص شده است که معاملات این ابزار سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت.

گزارشات مالی برای هر شرکتی منبع اطلاعاتی مهمی در مورد فعالیت‌های مشتقه هستند. برخی از استفاده‌کنندگان مثل سرمایه‌گذاران، سهامداران، وام‌دهندگان و تحلیل‌گران صورت‌های مالی می‌توانند از افشاهای مشتقات برای فهم بهتر فعالیت‌های اوراق مشتقه استفاده کنند و تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. نقصان افشا می‌تواند تصویر نادرستی از ریسک‌پذیری این موسسات نشان دهد و سهامداران

و سرمایه‌گذاران ناآگاه را در معرض ریسک‌های بزرگی قرار دهد. زیان‌های مشتقات که در طی چند سال گذشته توسط هر دو شرکت‌های مالی و غیر مالی تحمل شده است، باعث شد هیئت‌های مالی در سراسر جهان تحت فشار ناظران قرار بگیرند تا قوانین جدیدی را برای افشای قابل اتکا و مربوط ایجاد کنند (Feay & Abdullah, 2001).

علیرغم شیوع و اهمیت ابزارهای مالی مشتقه برای شرکت‌ها، و ارتباط آنها با رسوایی‌های مالی، شرکتها خلاصه کردن رویه‌های مدیریت ریسک، مانده‌های پایان دوره و عملکرد میان دوره‌ای مرتبط با مشتقات را به روشی کوتاه و قابل فهم، دشوار می‌دانند (Bean & Irvine, 2015). به علاوه، برای حساب‌برسان مستقل، هم حساب‌رسی این اطلاعات دشوار است. افشا مشتقات و اطلاعات در مورد حسابداری مصون‌سازی، شرکت‌ها را با موقعیت‌های پیچیده زیادی روبه‌رو می‌کند. نویسندگان مختلف ابزارهای مالی مشتقه را به عنوان یک مسئله پیچیده، مطرح می‌کنند (Kawaller, 2004, Birt et al., 2013, Prorokowski, 2013, Chang et al., 2016, Tessema, 2016, Malaquias & Zambra, 2017).

برای کمک به افشا و شفافیت بهتر، بعضی از کشورها استانداردهای حسابداری برای مشتقات ارائه داده‌اند. هیات استانداردهای حسابداری مالی آمریکا (FASB)، FASB 133 و 137 و FAS 161 و استرالیا AASB 1033 را منتشر کرده‌اند. به علاوه FRS 13 در بریتانیا، CICA 3862 در کانادا، IAS 32 و 39 در پرتغال و MASB ED 24 در مالزی به منظور بهبود استانداردهای گزارشگری شرکت در ابزارهای مشتقه و مصون‌سازی، منتشر شده‌اند (kota & Charumathi, 2018).

حسابداری ابزارهای مالی از طرف بنیاد IFRS نیز توجه زیادی را به خود جلب کرده است. این هیات در اواسط سال ۲۰۰۵، IFRS 7 را منتشر و همه شرایط افشاء ابزارهای مالی را بیان کرد. بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ بر ارتباط نزدیک بازارهای مالی و اقتصاد عمومی، و نیاز برای استقرار استانداردهای حسابداری با کیفیت و پذیرفته شده و به طور خاص استانداردهای مرتبط با ابزارهای مالی، تاکید کرد و نشان داد که چطور فقدان شفافیت می‌تواند کل سیستم مالی را تهدید کند و بنابراین شرکت‌ها و بخصوص موسسات مالی ملزم به ارائه اطلاعات مفیدتر برای ارتباط بهتر ریسک‌های حاصل از مبادلات مرتبط با ابزارهای مالی شدند. در پاسخ به بحران مالی جهانی، هیات استانداردهای بین‌المللی حسابداری IASB تصمیم گرفت استاندارد IAS 39 ابزارهای مالی:

شناخت و اندازه‌گیری، را به طور کامل و در کوتاه‌ترین زمان ممکن جایگزین کند. و در نهایت در ۲۴ جولای ۲۰۱۴، نسخه نهایی IFRS 9: ابزارهای مالی را منتشر کرد که مباحث:

- طبقه‌بندی و اندازه‌گیری
- کاهش ارزش و
- حسابداری مصون‌سازی را در بر می‌گیرد.

هدف حسابداری مصون‌سازی IFRS 9، انعکاس اثر فعالیت‌های مدیریت ریسک شرکت در صورت‌های مالی است، که شامل جایگزینی برخی قوانین اختیاری با الزامات اصول محور و پذیرش ابزارهای مصون‌سازی و ارقام مصون‌شده بیش‌تر برای توصیف حسابداری مصون‌سازی است. به‌طور کلی، IFRS 9 منجر به افزایش استراتژی‌های مدیریت ریسک تعیین‌کننده حسابداری مصون‌سازی و ایجاد ارتباط بهتر میان استراتژی مدیریت ریسک مؤسسه، منطق مصون‌سازی و اثر مصون‌سازی روی صورت‌های مالی می‌شود.

استفاده از ابزارهای مالی مشتقه در ایران به سال ۱۳۸۹ و راه‌اندازی معاملات قرارداد آتی به عنوان ابزار مالی جدید در بازار سرمایه، بر می‌گردد. طبق آمار و اطلاعاتی موجود در وب‌سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران، بازار قرارداد آتی سهام در مرداد ماه سال ۱۳۸۹ و با معرفی قرارداد آتی بانک کارآفرین و بانک پارسیان فعالیت خود را به‌طور رسمی آغاز کرد. پس از آن در اسفند ماه سال ۱۳۹۰، دستورالعمل معاملات قرارداد اختیار معامله سهام در بورس اوراق بهادار، به تصویب هیئت مدیره سازمان بورس رسید. در راستای توسعه تدریجی این ابزار، در مرداد ماه سال ۱۳۹۱، سازمان بورس در ابعاد محدودتر، دستورالعملی را جهت عرضه اختیار فروش تبعی برای سهام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به تصویب رساند.

به موجب مصوبات سازمان حسابرسی (مورخ ۱۳۹۰/۰۶/۲۷) و سازمان بورس و اوراق بهادار ایران (مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۱ و ۱۳۹۵/۰۸/۱۸)، برخی نهاد‌های مالی و ناشران بزرگ بورسی و فرابورسی، که دوره مالی آنها از تاریخ ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ و بعد از آن شروع می‌شود، ملزم به تهیه و ارائه یک مجموعه صورت‌های مالی سالانه حسابرسی شده بر اساس مجموعه IFRS هستند. با پذیرش مجموعه IFRS به عنوان مبنای گزارشگری مالی در ایران، چگونگی شناسایی و اندازه‌گیری ابزارهای مالی و افشای اطلاعات مرتبط، موضوع جدید و با اهمیتی است که جامعه حسابداری و حسابرسی ایران با آن درگیر خواهد شد.

ابزارهای مشتقه از جنبه های مدل عملیاتی، حسابداری و مالیاتی نیاز به بررسی و توجه دارد. از طرفی با توجه به پیچیدگی فعالیت های مدیریت ریسک، توسعه یک رویکرد حسابداری برای انعکاس محتوای اقتصادی چنین فعالیت هایی که به لحاظ عملیاتی امکان پذیر باشد و اطلاعات مفید برای استفاده کنندگان صورت های مالی فراهم کند، چالش برانگیز است.

در ایران نیز با توجه به روند رو به رشد استفاده از ابزارهای مشتقه و توسعه بازار این اوراق، پیچیدگی های موجود در مباحث حسابداری این اوراق و زیرساخت های لازم در ارتباط با اندازه گیری و گزارش شگری آنها، شرکت های فعال در این حوزه را با چالش های جدی مواجه خواهد ساخت. این پژوهش به دنبال بررسی چالش های رعایت الزامات افشا ابزارهای مشتقه در محیط گزارشگری ایران و طبق چارچوب استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی می باشد. در همین رابطه، ضمن مصاحبه با خبرگان حسابرسی، حسابداری و بازار سرمایه در ایران، این پژوهش از روش تحلیل محتوای کیفی برای تحلیل داده های بدست آمده و ارائه نتایج نهایی تحقیق استفاده می کند.

در ادامه، ابتدا پیشینه نظری و تجربی پژوهش مرور شده، سپس روش تحقیق شامل نحوه گردآوری داده ها و تحلیل آنها و در ادامه چالش های مرتبط با رعایت الزامات افشا ابزارهای مشتقه طبق استانداردهای بین المللی گزارشگری مالی بیان می شود و در نهایت پیشنهادها و محدودیت های تحقیق ارائه خواهد شد.

۲- پیشینه نظری پژوهش

در رشته های مالی، واژه "مشتقه" دارای یک معنی منحصر به فرد نیست. تعریفی کلی از مشتقات عبارت است از "قراردادهای مالی که بازده آنها با تغییر در ارزش سهام، اوراق قرضه، موجودی کالا، ارز، نرخ بهره، شاخص سهام یا سایر دارایی ها مرتبط بوده و یا از آنها ناشی می گردد" (et.al. 2009). (Lynch, 2011؛ Faubus, 2010؛ Acharya). مشتقه طبقه ای از قراردادهای مالی است که در برگیرنده ی دامنه وسیعی از ابزارها می باشد، گرچه هر یک از این انواع مشتقه ها دارای ویژگی های خاصی هستند، اما همه آنها وجوه مشترکی نیز دارند، به خصوص اینکه کلیه مشتقات با هدف انجام معامله ای که منجر به انتقال ریسک شود تنظیم شده و مورد توافق قرار گرفته اند. به عبارتی یکی از طرفین توافق می کند که به محض دریافت هزینه ای مشخص، ریسک زیان طرف دیگر را در صورت بروز واقعه ای خاص و به ویژه در ارتباط با ارزش دارایی دیگری، بر عهده بگیرد (این دارایی به عنوان دارایی "زیربنایی" یا "مرجع" شناخته می شود). (Samuel, 2009). مشتقات می توانند بدون

نیاز به مالکیت واقعی دارایی پایه منتشر و معامله شوند (Baker, 2009؛ Lynch, 2011). این ویژگیهای مشترک مشتقات، آنها را به بخش ارزشمندی از صنعت مدیریت مالی امروز تبدیل کرده است.

7 IFRS – ابزارهای مالی : افشا

در اواسط سال ۲۰۰۵، IFRS 7 منتشر شد و همه شرایط افشاء ابزارهای مالی را بیان کرد. IFRS 7 روشهای پیچیده ای را الزامی کرد تا واحدهای گزارشگر اقدام به کاربرد اندازه گیری و مدیریت ریسک‌های حاصل از ابزارهای مالی نمایند. به صورت همزمان مفاهیم و روش‌های جدید مدیریت ریسک جدید پذیرفته شده است. هدف این استاندارد، الزام واحدهای تجاری به ارائه اطلاعاتی در صورت‌های مالی است تا استفاده کنندگان بتوانند موارد زیر را ارزیابی کنند:

الف: اهمیت ابزارهای مالی برای وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری

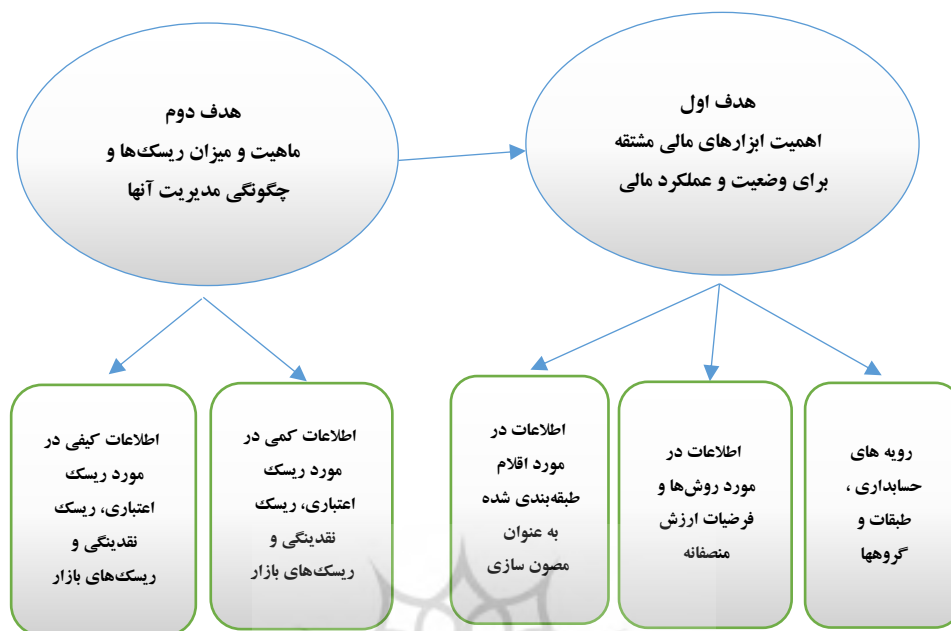
ب: ماهیت و میزان ریسک‌های ناشی از ابزارهای مالی که واحد تجاری طی دوره و پایان دوره گزارشگری در معرض آنها قرار دارد و نحوه مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری (IFRS 7, par1). IFRS 7 الزامات افشا ابزارهای مالی را تحت دو گروه گسترده تنظیم می‌کند:

افشاهای کیفی و افشاهای کمی

افشاهای کمی اطلاعاتی را درباره اثر ابزارهای مالی بر وضعیت و عملکرد مالی واحد تجاری نشان می‌دهد. در حالیکه، افشاهای کیفی اطلاعات مفیدی در این مورد فراهم می‌کند که چطور ریسک‌های مرتبط با ابزارهای مالی در واحد تجاری ایجاد و مدیریت می‌شوند.

IFRS 7 به دنبال ارائه اطلاعاتی در مورد اهمیت ابزارهای مالی واحد تجاری است، به طور

خاص، چطور ابزارها بر وضعیت مالی، عملکرد و جریان‌های نقدی اثر می‌گذارند. هدف این استاندارد همچنین، بازتاب ریسک‌های مرتبط با آن ابزارهای مالی و چگونگی مدیریت این ریسک‌ها توسط واحد تجاری است (Ernst & Young, 2017). شکل شماره یک خلاصه ای از الزامات کلیدی IFRS 7 را نشان می‌دهد که برای ابزارهای مشتقه به کار گرفته می‌شود (Bean & Irvine, 2015).



شکل (۱): اهداف و الزامات افشا 7 IFRS که بیشتر به ابزارهای مشتقه مربوط هستند

اهمیت مشتقات برای وضعیت و عملکرد مالی

الزامات قابل کاربرد برای مشتقات طبق هدف اول شامل سطوح مناسب تجمیع و تفکیک، رویه های حسابداری، افشا برای اندازه گیری ارزش منصفانه و اطلاعات در مورد معاملات مصون سازی است. IFRS 7 شرکت ها را ملزم می کند که ابزارهای مالی را بر اساس ماهیت اطلاعات افشا شده در طبقات مناسب، دسته بندی کنند. اگرچه شرکت ها سطح تجمیع لازم را تعیین می کنند، IFRS 7 مقرر می کند که شرکت ها نباید اطلاعات با ویژگی های اندازه گیری متفاوت را با هم ترکیب کنند. همچنین شرکت ها ملزم به افشا رویه های حسابداری هستند به طوری که استفاده کنندگان بتوانند صورت های مالی را درک کنند (Birt, et al., 2013)

استاندارد افشا روش ها و مفروضات اندازه گیری ارزش منصفانه را همراه با اطلاعات اضافه در مورد حساسیت فرضیات مورد استفاده برای سطح سه، الزامی می کند. روشن است که با افزایش استفاده از ورودیهایی که کمتر قابلیت مشاهده دارند و توسط مدیریت تولید شده اند، فرصت های زیادی برای مدیریت سود وجود دارد (Kothari, et al., 2010).

مصون‌سازی یک استراتژی مدیریت ریسک است که در برگیرنده یک موقعیت خنثی کننده معرض ریسک است، مثل ریسک نرخ بهره، ریسک ارز خارجی، یا ریسک قیمت کالا. IAS 39 موانع سختی را برای احراز شرایط حسابداری مصون‌سازی مقرر کرده بود. کاهش این محدودیت‌ها به میزان زیادی با اجرایی شدن IFRS 9، از ۲۰۱۸ افشاهای مصون‌سازی را حیاتی تر می‌کند.

IFRS 7 شرکت‌ها را ملزم می‌کند که نوع مصون‌سازی مورد استفاده، توصیفی از مشتقات تخصیص یافته به عنوان ابزارهای مصون‌سازی و ماهیت، زمان بندی و میزان ریسک‌های مصون شده را افشا نمایند. Chalmers & Godfrey, 2000, Nguyen & Faff, 2002, Heaney & Winata, 2005)

تحقیقات نشان می‌دهد که شرکت‌ها ممکن است در افشای اطلاعات خاص کافی درباره مصون‌سازی‌ها و رویه‌های مصون‌سازی کوتاهی کنند و به طور بالقوه درک استفاده کنندگان از نحوه مدیریت ریسک‌های شرکت‌ها و دانش آنها در مورد وجود فرآیندهای به خوبی تعریف شده و تحت نظارت برای ریسک‌های موجود را محدود کنند (Papa & Peters, 2013).

ماهیت و میزان ریسک‌ها و چگونگی مدیریت این ریسک‌ها

برای احراز هدف دوم نشان داده شده در شکل ۱، ارائه اطلاعاتی که درک ریسک مالی و رویه‌های مدیریت ریسک را امکان پذیر کند، الزامی است. IFRS 7 شرکت را ملزم می‌کند، ریسک‌های مالی که در معرض آن قرار دارد، شامل ریسک اعتباری، ریسک نقدینگی و ریسک بازار را افشا کند. شرکت‌ها باید چگونگی ایجاد و اندازه‌گیری هر ریسک، اهداف مدیریت این ریسک‌ها، خط‌مشی‌ها و فرآیندهای مدیریت ریسک و وجود تغییرات نسبت به دوره قبل را توضیح دهند.

شرکت‌ها ملزم هستند خلاصه‌ای از اطلاعات کمی را برای هر گروه ریسک و براساس اطلاعات داخلی تهیه شده برای مدیریت، افشا کنند. IFRS 7 بعضی افشاهای خاص کمی فراتر و بیشتر از خلاصه الزامات را الزامی کرده است. اینها شامل اطلاعاتی در مورد حداکثر معرض ریسک اعتباری، با یا بدون اثر وثیقه، یک تجزیه و تحلیل سرسید برای بدهی‌های مالی مشتقه، با سرسیدهای قراردادی در موارد مربوط، توصیفی از چگونگی مدیریت ریسک نقدینگی و افشای ریسک‌های بازار. ریسک‌های بازار معرض‌های تجاری کلیدی هستند و شامل نرخ بهره، نرخ تسعیر ارز، قیمت سهام و ریسک‌های قیمت کالا هستند. آنالیز حساسیت برای هر نوع ریسک بازاری که یک شرکت در پایان دوره در معرض آن قرار دارد الزامی است و نشان دهنده اثر یک تغییر خاص در بازار، روی سودوزیان

و سرمایه است. جایگزین آنالیز حساسیت که بیشتر توسط بانک‌ها و موسسات مالی انجام می‌شود، آنالیز ارزش در معرض ریسک (VAR) است.

تحقیقات نشان می‌دهد که بیشتر افشاهای کمی از ریسک‌های خارج از ترازنامه فرمولی هستند. به عنوان مثال در مورد ریسک اعتباری، تعداد بسیار کمی از شرکت‌ها به نظر می‌رسد که اطلاعات خاص در مورد غلظت ریسک و کیفیت اعتباری دارایی‌ها که سررسید گذشته یا کاهش ارزش یافته نیستند، ارائه دهند (Papa & Peters, 2011, Ernst & Young, 2008).

برای ریسک نقدینگی، تحقیقات دریافته‌اند که اکثریت شرکت‌ها اطلاعات کمی الزامی در جریان‌های نقدی تنزیل نشده ارائه می‌دهند اما، همواره جزئیات کافی در افشاهای توضیحی را ارائه نمی‌دهند (Ernst & Young, 2008). برای ریسک بازار، بیشتر انتقادها به شرکت‌ها متوجه فقدان افشا روش‌ها، ورودی‌ها و فرضیات به کار گرفته شده در آنالیز حساسیت است. علاوه بر انتقادات به افشای توصیفی روش‌ها و فرضیات زیربنایی افشاهای کمی، افشای اهداف مدیران، فرآیندها و روش‌های مدیریت این ریسک‌ها، عمومی و فاقد ویژگی آگاهی دهندگی هستند (Chalmers & Godfrey, 2000; Papa & Peters, 2011 & 2013; Roulstone, 1999; Ernst & Young, 2008).

به نظر می‌رسد این یک مسئله در حال پیشرفت است اگرچه در ۲۰۱۰، IASB پاراگرافی به IFRS 7 اضافه کرد که توضیح می‌دهد به منظور درک کامل افشاهای کمی، توضیح و تفسیرهای کیفی برای استفاده کنندگان ضروری هستند.

اجماع حاصل از مطالعات مختلف روی کیفیت افشا، این است که الزامات IFRS 7 در بیشتر موارد از نظر تکنیکی احراز شده است، اما اغلب به شیوه بی‌قاعده و فاقد شفافیت. اما می‌دانیم تا چه اندازه این کیفیت افشای ضعیف بر استفاده کنندگان اثر می‌گذارد (Thinggaard, 1996; Durocher & Gendron, 2010).

مروری بر مطالعات انجام گرفته

استفاده از ابزارهای مشتقه موضوع مطالعات گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف و به خصوص مالی، بوده است. تمرکز مطالعات مالی روی مشتقات، بر سوالات اساسی بوده است از جمله اینکه چرا شرکت‌ها مشتقات را مورد استفاده قرار می‌دهند و استفاده از مشتقات چه اثری بر ارزش شرکت دارند. (Smith & Stulz, 1985, Allayannis & Weston, 2001). مطالعات مشتقه در حسابداری

هم به این موضوعات اصلی با تأکید بر چالشها و مفاهیم حسابداری و افشاهای مشتقات، دست زده اند (Aretz & Bartram, 2010; Judge, 2006).

بخش بزرگی از تحقیقات دانشگاهی در دو دهه گذشته بر روی تغییرات در حسابداری و الزامات افشا برای مشتقات و ابزارهای مالی، تمرکز داشته اند. برخلاف پایه‌های اقتصادی قوی برای افشا ابزارهای مشتقه و نگرانی‌ها در ارتباط با روش، مطالعات دانشگاهی در این حوزه محدود بوده‌اند (Bean & Irvine, 2015).

جینرو همکاران (2020) ارتباط ارزشی افشاهای ریسک مالی الزامی توسط IFRS 7 را در بخش بانکی مورد بررسی قرار دادند. نتایج رابطه مثبتی میان ارزش بانک و گروه‌های مختلف افشاهای ریسک را نشان داد.

تحقیق چن، داو و زو (2018) نشان داد، نقدینگی قیمت سهام شرکت‌ها بهبود می‌یابد زمانی که مشتریان اصلی آنها، افشاهای FAS 161 را ارائه کنند که بیانگر این مسئله است که افشاهای اثرات سرریز در زنجیره تامین شرکت دارند.

خان و دیگران (2018) واکنش منفی با اهمیت بازار را نسبت به FAS 133 و FAS 161، آخرین تغییرات عمده حسابداری مشتقات، نشان دادند. این واکنش می‌تواند به دلیل هزینه‌های بالای تهیه و سایر هزینه‌های افشای ابزارهای مشتقه در مقایسه با منافع آگاهی محدود برای سرمایه‌گذاران باشد که هر دو ناشی از ماهیت پیچیده ابزارهای مشتقه هستند.

تهات و همکاران (2016) اثر IFRS 7 را بر اهمیت افشا ابزارهای مالی مورد بررسی قرار داده و نشان دادند شرکت‌ها پس از اجرای IFRS 7 اطلاعات بیشتری در ارتباط با ابزارهای مالی ارائه می‌کنند و در بخش بانکی سطح افشا بالاتر است. به علاوه تجزیه و تحلیل افشاهای قبل و بعد از اجرای IFRS 7 ابعاد خاصی از سودمندی مثل قابلیت مقایسه بیشتر اطلاعات را نشان داد.

تهات و همکاران (2016) نشان دادند اطلاعات پس از بکارگیری IFRS 7 ارتباط قوی تری با ارزش‌های بازار دارند و پذیرش الزامات افشای اجباری این استاندارد، صورت‌های مالی مربوط تری تولید می‌کند.

بین و ایروین ۲۰۱۵ در مطالعه‌ای پیرامون سودمندی الزامات افشا ابزارهای مشتقه طبق IFRS 7، از طریق مصاحبه با تحلیلگران نشان دادند گرچه افشاهای تا حدی مفید است، به شکلی کلی و عاری از اطلاعات مفید تهیه می‌شوند و بر موقعیت‌های پایان سال متمرکز می‌شوند که درک

واقعی از ریسک و شیوه های مدیریت ریسک را محدود خواهد کرد. به علاوه رضایت استفاده کنندگان با ارائه اطلاعات خاص شرکت، افزایش می یابد.

کی پی ام جی در ۲۰۱۱ در این مورد اظهار نگرانی کرد که افشاها عملاً از نظر طولی رشد می کنند ولی از نظر اطلاعات آگاهی دهنده در حال کاهش هستند به این دلیل که افشاهای بیشتر شامل اطلاعات عمومی و کلی و نه اطلاعات خاص شرکت هستند.

برت و همکاران (۲۰۱۳) نشان دادند استفاده از ابزارهای مشتقه با ریسک مالی و سایر شرکت رابطه مستقیم دارد. و شرکت های بزرگ با اهرم بالاتر که مشتقات را مورد استفاده قرار می دهند و توسط یکی از موسسات BIG4 حسابرسی می شوند، افشاهای گسترده تری از ابزارهای مالی ارائه می دهند.

بامورنسیری و شرودر (۲۰۰۴) میزان رعایت الزامات کمی و کیفی در ارتباط با ابزارهای مشتقه طبق مقررات SFAS 133 توسط شرکت های DOW 30 را مورد بررسی قرار دادند. افشای اطلاعات در مورد ابزارهای مشتقه به طور گسترده ای از لحاظ میزان اطلاعات منتشر شده، محل افشا در یادداشت ها و شکل مورد استفاده در افشای آن، متفاوت بود. فقدان یکنواختی در افشا اطلاعات الزامی بوسیله SFAS 133 می تواند ارزیابی اثر و اثر بالقوه استفاده شرکت از ابزارهای مشتقه بر روی نتایج عملیات و وضعیت مالی آن را برای خوانندگان صورت های مالی دشوار سازد، Bhamornsiri, (Schroeder & 2004).

در ایران نیز مجتبی چاوشانی و همکاران (۱۳۹۸) بین سطح افشا ابزارهای مالی با ارزش شرکت رابطه مستقیم و معناداری یافتند.

۳- روش انجام پژوهش

سوال اصلی این تحقیق عبارت است از اینکه چالش های عمومی افشا ابزارهای مشتقه طبق IFRS 7 و 9 چیست؟

در مرحله اول این پژوهش، الگوی اولیه چالش های پیاده سازی الزامات افشا ابزارهای مشتقه و حسابداری مصون سازی طبق چارچوب پیشنهادی IFRS 7 و IFRS 9 با انجام متن کاوی گسترده با رویکرد تحلیلی روی پژوهش های پیشین و تحلیل محتوای کیفی یافته های آنها و همچنین تحلیل محتوای کیفی IFRS 9 و IFRS 7، مبانی تصمیم گیری الزامات استاندارد IFRS 9 و IFRS 9، پیش نویس های مربوط به این استاندارد در فرآیند نظرخواهی عمومی از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۴، رهنمودهای FASB در ارتباط با مسائل پیاده سازی IFRS 133 و FAS 161، یافته های

پژوهش‌های پیمایشی انجام شده توسط نهادهای حرفه‌ای بین‌المللی در رابطه با گزارشگری ابزارهای مالی از جمله گزارش SEC (۲۰۰۸) در ارتباط با اندازه‌گیری ارزش منصفانه و گزارش BDO (2016)، KPMG (2014 و 2017)، E & Y (2014 و 2016)، PWC (2015)، Deloitte (2015 و 2016)، استخراج شد. در مرحله دوم دیدگاه خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی و بازار سرمایه درباره «الگوی حسابداری ابزارهای مشتقه»، «چالش‌های فنی رعایت الزامات افشا ابزارهای مشتقه و حسابداری مصون‌سازی» در محیط گزارشگری ایران و برای اوراق مشتقه قابل معامله در بازار سرمایه ایران، با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه ساختار یافته جمع‌آوری و به روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شد.

مشارکت کنندگان

مشارکت کنندگان با روش گلوله برفی یا زنجیره‌ای برای مصاحبه انتخاب شدند. در مصاحبه، ابتدا تعدادی از اشخاص صاحب نظر و دارای تحصیلات و تجربه کافی مرتبط با موضوع، انتخاب شدند و در پایان مصاحبه از آنها درخواست شد که سایر افراد مطلع و صاحب نظر درخصوص موضوع پژوهش را معرفی نمایند. به منظور غنای پژوهش، تلاش شد تا با افرادی که شخصا موضوع پژوهش را تجربه کرده‌اند و از دانش و تجربه بالایی در این زمینه برخوردار هستند، مصاحبه صورت گیرد. به این منظور اعضای کمیته تدوین استاندارد سازمان حسابرسی، کارشناسان بازار ابزارهای نوین مالی در بورس اوراق بهادار، کارشناسان اداره حسابرسی و گزارشگری مالی و اداره نظارت بر ناشران سازمان بورس، مدیران و سرپرستان موسسات حسابرسی شرکت‌های تهیه‌کننده صورت‌های مالی طبق IFRS و فعالان حرفه‌ای درحوزه سرمایه‌گذاری و معاملات اوراق مشتقه برای انجام مصاحبه انتخاب گردیدند. برخی افراد نمونه در حوزه پژوهش تصمیم‌گیرنده و به نام بودند که ابتدا مصاحبه از آنها شروع شد. سپس با پیش رفتن تحقیق و گردآوری و تحلیل داده‌ها، برای شناخت بهتر مفاهیم و مقوله‌ها با سایر افراد خبره مصاحبه می‌شد. بدین ترتیب با ۱۵ صاحب نظر مصاحبه به عمل آمد و پس از برگزاری این مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها به اشباع رسیدند. ترکیب مصاحبه‌شوندگان و تخصص آنها در جدول ۱ مشاهده می‌شود.

جدول شماره (۱): ترکیب مصاحبه شوندگان و تخصص آنها

تعداد	طبقه بندی	عامل
سه	اعضای سازمان بورس و اوراق بهادار	سمت
سه	عضو سازمان حسابرسی و کمیته تدوین استاندارد	
سه	مدیر و سرپرست ارشد در موسسات حسابرسی شرکت‌های تهیه کننده صورت‌های مالی طبق IFRS	
دو	هیات علمی دانشگاه	
چهار	فعالان حرفه‌ای در حوزه سرمایه‌گذاری و معاملات اوراق مشتقه	
هشت	پنج تا ده سال	سابقه کار
هفت	بیش از ده سال	
یازده	حسابداری	رشته تحصیلی
چهار	مدیریت مالی	
یازده	دکتری	مدرک
چهار	کارشناسی ارشد	تحصیلی

نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی دیدگاه خبرگان حرفه حسابداری و حسابرسی و بازار سرمایه در این بخش از پژوهش با استفاده از تحلیل محتوای کیفی به تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با مشارکت کنندگان پرداخته شده است. پس از جمع‌آوری داده‌ها به وسیله ابزار مصاحبه نیمه ساختار یافته، داده‌های مصاحبه ابتدا به شکل کتبی نسخه برداری و با استفاده از نرم افزار WORD مستند گردید و سپس تحلیل و کدگذاری اطلاعات با استفاده از نرم افزار MAXQDA انجام شد.

تحلیل فرآیند نظم دادن به داده‌هاست. اساساً تحلیل داده‌های کیفی، شامل فرآیند «غرق شدن در داده‌ها» است که از طریق آن می‌توانیم تجارب شرکت کنندگان در مطالعه را معرفی و تفسیر کنیم. تحلیل داده‌ها یک فرآیند اکتشافی است و به ما این توانمندی را می‌دهد که نزدیکی خود را با داده‌ها حفظ کرده و به درک و فهم روشنی از موضوعات پژوهشی دست یابیم. کدگذاری، نخستین فعالیت در تحلیل کیفی و مبنایی برای مراحل بعدی تحلیل است. منظور از کدگذاری این است که به قطعاتی از داده‌های جمع‌آوری شده، نام و برچسب اختصاص دهیم. این قطعات ممکن است قطعه‌های کوچک یا بزرگی از داده‌ها باشند (ابوالمعالی، ۱۳۹۰). برای نمونه نحوه کدگذاری در نقل قول‌های زیر تشریح می‌شود.

« کمی برای سهام دو تا چهار تا راحتی است و یک سری اطلاعات می‌دهند که قیمت سهام این بوده است و بعد این قدر شده و این مقدار بالا رفته است و این قدر پایین آمده ولی کیفی یک مقدار توضیح و بحث می‌خواهد ولی خود آن طرف هم نمی‌داند باید چه بنویسد. یا باید منتظر یک دستورالعمل، یا یک دستورالعمل را کپی پیست بکند و بگذارد. باز هم فرق این است که اصلاً نمی‌داند در قسمت کیفی چه بنویسد» (استاندارد نبودن افشای کیفی).

بدون تردید قضاوت حرفه‌ای روی نحوه افشا و میزان افشا مؤثر است چون افشاهای مربوط به Big4 هم با هم مقایسه کنید افشاها خیلی با هم تفاوت دارد. تعریف یکسان است ولی بعد توی اندازه‌گیری هر کسی از یک قضاوتی استفاده کرده است و ممکن است با حالت‌های مختلف انجام شود (تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی نحوه و میزان و انشا افشایات).

قطعاً در بحث‌های کیفی و مدل‌هایی که در حوزه کمی استفاده می‌شود قضاوت حرفه‌ای می‌تواند تأثیر بگذارد. (تأثیر قضاوت حرفه‌ای در انتخاب مدل‌ها در حوزه کمی).

با بررسی نقل قول‌های بالا مفاهیم "استاندارد نبودن افشای کیفی، تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی نحوه، میزان و انشا افشایات و تأثیر قضاوت حرفه‌ای در انتخاب مدل‌ها در حوزه کمی" استخراج شد. در سایر مصاحبه‌ها نیز به همین ترتیب مفاهیم استخراج گردیده است.

سپس جهت تشکیل مقوله‌ها، مفاهیم استخراج شده با یکدیگر مقایسه شده و شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها بررسی شدند و مقوله‌ها که نشان‌دهنده محورهای مشترک بین مفاهیم است، استخراج می‌شوند. به عنوان مثال مفاهیم "مشکل بودن افشای کیفی به دلیل استاندارد نبودن، دشواری تهیه اطلاعات لازم برای افشا، تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی نحوه و میزان و انشا افشا، تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی افشایات کیفی، تأثیر قضاوت حرفه‌ای در انتخاب مدل‌ها در حوزه کمی و تأثیر قضاوت حرفه‌ای در اندازه‌گیری‌ها" نشان‌دهنده مقوله "پیچیدگی و دشواری پیاده‌سازی الزامات افشا در عمل"، هستند.

بدین ترتیب سایر مفاهیم و مقوله‌ها نیز به شرح ذیل تحلیل و طبقه‌بندی گردیدند.

جدول (۲): مفاهیم و مقوله‌ها

مفاهیم	مقوله‌ها
مشکل بودن افشای کیفی به دلیل استاندارد نبودن	پیچیدگی و دشواری پیاده سازی الزامات افشا در عمل
دشواری تهیه اطلاعات لازم برای افشا	
تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی نحوه و میزان و انشا افشا	
تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی افشای کیفی	
تأثیر قضاوت حرفه‌ای در انتخاب مدل‌های در حوزه کمی	
تأثیر قضاوت حرفه‌ای در اندازه گیری‌ها	
نبود انگیزه افشای اطلاعات از بعد هزینه - منفعت افشا	فقدان/کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا طبق IFRS 7 و IFRS 9
عدم نیاز به افشا به دلیل کارا نبودن بازار	
مفید نبودن افشا در محیط گزارشگری ایران از دید استفاده کننده	
عدم نیاز سهامدار به افشا به دلیل فقدان / ضعف دانش سهامدار	
عدم تقارن اطلاعاتی و عدم تصمیم گیری بر اساس اطلاعات صورت‌های مالی	
وجود هزینه ای رقابتی افشا اطلاعات برای شرکت‌ها	
عدم ارائه اطلاعات در ارتباط با فعالیت‌های بین دوره‌ای مشتقات	فقدان / ضعف ارائه اطلاعات کافی، قابل مقایسه و سودمند
عدم افشا فعالیت‌های بین دوره ای شرکت‌ها	
عدم افشا به دلیل کوتاه بودن طول دوره مشتقه	
عدم افشا به دلیل پایین بودن مبالغ ریالی	
نیاز اطلاعاتی سهامدار به میزان تعهد	
محل افشا ونحوه ارائه اطلاعات بین شرکت‌های مختلف یکنواخت و یکسان نیست	
نبود الزام برای افشا اطلاعات در ارتباط با مشتقات	فقدان / ضعف الزامات و ضمانت‌های اجرایی
عدم وجود استاندارد در ایران در رابطه بامشتقات	
شکلی بودن گزارشات و کمیته‌ها	
دولتی بودن شرکت‌ها و بورس	
شکلی بودن افشاهای ریسک	
عدم وجود الزام قانونی از طرف سازمان حسابرسی	

افشاهای کافی و قابل اتکا نیست	
ویژگی پنهان کاری و عدم شفافیت شرکت‌های ایرانی	عدم شفافیت در گزارشگری مالی یا عدم وجود تمایل برای بهبود شفافیت
کامل و شفاف نبودن افشا به دلیل نقص دستورالعمل	
عدم شفافیت اقتصاد و گزارشگری مالی در ایران	
افزایش مسئولیت پاسخگویی تهیه‌کنندگان اطلاعات در ارتباط با استفاده از اطلاعات منطبق با افشا	
افزایش مسئولیت پاسخگویی تهیه‌کنندگان اطلاعات به دلیل پاسخگویی در برابر مفروضات مورد استفاده	
بالا بودن هزینه تهیه‌ی اطلاعات برای شرکت‌ها طبق الزامات افشا	افزایش زمان و هزینه‌های گزارشگری
هزینه بر بودن افشاهای کیفی	
افزایش هزینه تهیه نرم افزارهای لازم برای تهیه اطلاعات	
مشکل در اندازه‌گیری و کمی کردن ریسک‌ها	فقدان رویه‌های مدیریت ریسک رسمی
فقدان واحدهای مدیریت ریسک فعال و پویا در شرکت‌ها	
عدم انجام مدیریت ریسک در شرکت‌ها و ناتوانی در رعایت الزامات	
گمراهی استفاده‌کننده به دلیل افزایش حجم اطلاعات	افزایش حجم گزارشگری مالی
کامل نبودن افشای کنونی مشتقات به دلیل نقص دستورالعمل	فقدان / ضعف استاندارد و دستورالعمل برای افشا
کامل نبودن افشای کنونی مشتقات به دلیل نبود استاندارد	

۴- یافته‌ها

بر اساس دیدگاه صاحب‌نظران چالش‌های افشای اطلاعات اوراق مشتقه عبارتند از:

- ۱- پیچیدگی و دشواری پیاده‌سازی الزامات افشا در عمل
- ۲- فقدان/کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا طبق IFRS 7 و IFRS 9
- ۳- فقدان / ضعف ارائه اطلاعات کافی، قابل مقایسه و سودمند و قابل اتکا
- ۴- عدم شفافیت در گزارشگری مالی یا عدم وجود تمایل برای بهبود شفافیت

۵- فقدان / ضعف الزامات و ضمانت های اجرایی

۶- افزایش حجم گزارشگری مالی

۷- افزایش زمان و هزینه های گزارشگری

۸- فقدان رویه های مدیریت ریسک رسمی

۱- پیچیدگی و دشواری پیاده سازی الزامات افشا در عمل

یکی از چالشها در ارتباط با افشا اطلاعات اوراق مشتقه مربوط به پیچیدگی و دشواری پیاده سازی الزامات افشا در عمل می باشد که به دلیل استاندارد نبودن افشای کیفی، گمراهی استفاده کنندگان به دلیل افزایش حجم گزارشگری مالی و تأثیر قضاوت حرفه ای بر روی افشا ایجاد می شود. استخراج کدها و تحلیل مفاهیم و طبقه بندی آنها در حوصله این مقاله نمی گنجد.

۲- فقدان/کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا طبق IFRS 7 و IFRS 9

از نظر خبرگان فقدان یا کمبود انگیزه برای رعایت الزامات افشا طبق IFRS 7 و IFRS 9 یکی از چالش های با اهمیت در این حوزه می باشد. نبود انگیزه به دلیل عدم تطابق هزینه - منفعت در ارتباط با افشا اطلاعات، عدم نیاز به افشا به دلیل کارا نبودن بازار، مفید نبودن افشا در محیط گزارشگری ایران، فقدان و ضعف دانش سهامدار و وجود هزینه های رقابتی افشای اطلاعات برای شرکت ها از دلایل بروز این چالش می باشد که توسط خبرگان به آن اشاره شده است. نمونه ای از نقل قول های مشارکت کنندگان به شرح زیر است:

« ببینید هر استانداردی که می خواهد اجرا بشود برای شرکت هزینه دارد، درست است. هر افشای بیشتری برای شرکت هزینه دارد شرکت باید منافع بیشتری به دست بیاورد که بگویم من این هزینه را انجام می دهم که به آن منافع در افشایم برسم ما منافع افشا را محدود کرده ایم یعنی به طور کلی سیاست ها و آن محیط اقتصادی که ایجاد شد حالا یا محیط اقتصادی خواسته ایجاد شد یا ناخواسته ایجاد شد، منافع را محدود کرد و این بخش اعظم انگیزه شرکت ها را از بین برده است یعنی الان خیلی از شرکت ها دارد برای پیاده سازی IFRS واقعاً دارد مقاومت نشان می دهد.» (عدم تطابق هزینه - منفعت افشا).

عدم نیاز به افشا به دلیل کارا نبودن بازار

به عقیده مشارکت کنندگان، در محیط گزارشگری ایران، دلایلی از قبیل ضعف دانش سهامدار و عدم تقارن اطلاعات و عدم تصمیم گیری بر اساس صورت های مالی، نیاز سهامدار به افشا را تحت تأثیر قرار می دهد.

« برایش ارزشی ندارد که بخواهد بیاید اطلاعات کیفیتش را بخواهد افشا بکند که من حالا از نظر کیفی چه کار کرده‌ام. چرا برایش ارزش ندارد؟ آخر باید صورت مالی را یک خواننده بخواند خواننده در صورت‌های مالی وقتی که اصلاً نمی‌داند مشتقه چه هست و چه اطلاعات مفیدی قرار است بدهد که بخواهد؛ یک یادداشت هم هست به نام سود از هر هزار تا خواننده صورت مالی ۹۹۹ تایی شان می‌خواهند سود شرکت را ببینند سود هم در گردش را ببینند، تقسیم دیویدند را ببینند، حساب دریافتی را ببینند آن مهم است » (فقدان / ضعف دانش سهامدار)

۳- فقدان / ضعف ارائه اطلاعات کافی، قابل مقایسه و سودمند و قابل اتکا

عدم وجود استاندارد و دستورالعمل برای افشا اوراق مشتقه و شکلی بودن گزارشات و کمیته‌ها، افشایات ناهماهنگ، بی‌اهمیت بودن مبالغ مربوط به اوراق مشتقه برای افشا، عدم افشا فعالیت‌های بین‌دوره‌ای شرکت‌ها در ارتباط با معاملات و موقعیت‌های اوراق مشتقه، شکلی بودن افشاهای مربوط به ریسک و عدم ارائه اطلاعات در ارتباط با تعهدات قراردادهای آتی و اوراق اختیار تبعی منجر می‌شود افشاها در ارتباط با اوراق مشتقه فاقد اطلاعات کافی و قابل مقایسه و سودمند برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان باشد.

« شرکت‌ها به طور منظم فعالیت‌های بین‌دوره‌ای خود را افشا نمی‌کنند. اگر زمانی فعالیت‌های بین‌دوره‌ای متفاوت از موقعیت‌های آخر سال باشد، شرکت‌ها در بسیاری از موارد یا این فعالیت‌ها را نادیده می‌گیرند یا آنها را با توضیحات کلی، مطرح می‌کنند» (عدم افشا فعالیت‌های بین‌دوره‌ای شرکت‌ها).

۴- عدم شفافیت در گزارشگری مالی یا عدم وجود تمایل برای بهبود شفافیت

عدم شفافیت در گزارشگری مالی یا نبود تمایل برای بهبود شفافیت از دیگر چالش‌ها در حوزه افشا می‌باشد. از دیدگاه خبرگان، افزایش مسئولیت پاسخگویی تهیه‌کنندگان اطلاعات، لزوم استفاده از اطلاعات منطبق با افشا، پاسخگویی در برابر مفروضات مورد استفاده و عدم وجود ابزارهای نظارتی منجر به عدم شفافیت در گزارشگری مالی می‌گردد.

« ... افشاء بیشتر رو این می‌چرخه که شما مفروضات مورد استفاده‌ات رو افشاء بکنی افشاء مفروضات باعث میشه شما به نتیجه دست پیدا بکنی اون نتیجه شاید با مفروضات نوشته شده خیلی همخوانی نداشته باشه یعنی مفروضات رو افشاء می‌کنی باید پاسخگوی مفروضات باشی» (پاسخگویی در برابر مفروضات مورد استفاده)

۵- فقدان / ضعف الزامات و ضمانت‌های اجرایی

به عقیده مشارکت کنندگان، نبود الزامات و استانداردهای مشخص در رابطه با گزارشگری مشتقات، منجر به عدم بررسی و عدم اظهار نظر حسابرس در ارتباط با افشا اطلاعات مشتقات و در نهایت عدم افشا اطلاعات در این حوزه می‌گردد.

«اطلاعات کافی در مورد فعالیت‌های بین دوره ای در صورتهای مالی میان دوره قاعداً باید ارائه بشود ولی نمی‌شود اینها سالانه هم نمی‌دهند چه برسد به میان دوره ای. به خاطر بحث سر رسید ها و به دلیل اینکه رقم‌ها پایین است (پایین بودن اهمیت اطلاعات برای افشا) و اینکه بلاخره همان رقبا بلاخره آنها تا جایی که می‌توانند الزامی هم که از سمت حسابرس ندارند و افشا نمی‌کنند. پس یکی این که بی اهمیت هستند یکی این که الزام وجود ندارد.» (نبود الزام برای افشا)

۶- افزایش حجم، زمان و هزینه‌های گزارشگری مالی

از نظر خبرگان در حال حاضر موارد افشا در محیط گزارشگری ایران محدود است اما با توجه به روند رو به گسترش بازار مشتقات در ایران، موارد مندرج در الزامات افشا، باعث افزایش حجم اطلاعات و در نتیجه گمراهی استفاده کنندگان می‌گردد. از طرف دیگر این مسئله افزایش در حجم و هزینه گزارشگری مالی را برای تهیه کنندگان به دنبال دارد. لذا افزایش حجم، زمان و هزینه‌های گزارشگری مالی، می‌تواند از موارد چالش برانگیز در ارتباط با رعایت الزامات افشا طبق استاندارد مذکور باشد.

«این افشاها هزینه‌های گزارشگری شرکت‌ها را بالا می‌برد، خیلی سخته می‌دونید مثلاً شما برید اون شرایط گزارش رو نگاه بکنید اصلاً به چیزهای خیلی عجیب و غریبی رو گفته افشا بکنید خب برای شرکت هزینه دارد که آن همه اطلاعات را فراهم بکند و افشا بکند یعنی واقعاً شاید بحث سر این نباشه که نمیخواه اصلاً هزینه‌ی تهیه‌ی اطلاعات برایش خیلی بالا میرود.» (افزایش هزینه گزارشگری)

۷- فقدان رویه‌های مدیریت ریسک رسمی

مشارکت کنندگان عقیده دارند که بسیاری از شرکت‌ها، رویه‌های مدیریت ریسک رسمی و تعریف شده و تحت نظارت ندارند و برای افشا معمولاً به پر کردن فرمت‌های آماده موسسات حسابرسی بزرگ یا فرمت‌های تعریف شده دیگر، بسته می‌کنند.

«بزرگترین شرکت‌های ما بخش مدیریت واحد مدیریت ریسک فعال و پویا ندارند بتونه ریسک‌ها رو درست کمی کنه خب اینا مشکله تا وقتی اینا هست حالا ما هی بیایم اینا رو بالا پایین کنیم هی تو اون تکنیکال داستان بیایم مثلاً بحث کنیم به نتیجه نمیرسه» (نبود واحد مدیریت ریسک در شرکت‌ها)

۵- نتیجه‌گیری

چالش‌های مرتبط با رعایت الزامات افشا طبق استانداردهای بین‌المللی شماره ۷ و ۹:

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد استاندارد نبودن افشاهای کیفی، افزایش حجم گزارشگری مالی و تأثیر قضاوت حرفه‌ای روی میزان، نحوه و انشا افشا، منجر به پیچیدگی و دشواری پیاده‌سازی الزامات افشا در عمل می‌گردد. رعایت الزامات افشا طبق *IFRS 7* و *IFRS 9*، به معنای افشاهای بیشتر و تفصیلی توسط تهیه‌کنندگان می‌باشد و این مسئله برای شرکت‌ها هزینه بر است. شرکت زمانی انگیزه برای افشای بیشتر خواهد داشت که منافع بیشتری عاید شود متأسفانه سیاست‌ها و محیط اقتصادی ایران منافع را محدود کرده و بخش اعظم انگیزه‌ها را از بین برده است لذا از بعد هزینه - منفعت انگیزه‌ای برای افشا وجود ندارد. از طرف دیگر کارا نبودن بازار باعث می‌شود تنها انگیزه شرکت‌ها برای افشا، گرفتن گزارش مقبول حسابرس باشد در کنار این موارد وجود هزینه‌های رقابتی برای شرکت‌ها، همه از عوامل کاهش انگیزه برای افشا هستند. در سمت استفاده‌کننده، عدم نیاز سهامدار به افشا به دلیل پایین بودن سطح دانش و عدم تقارن اطلاعاتی و عدم تصمیم‌گیری بر اساس اطلاعات صورت‌های مالی شرکت‌ها در بورس هم از دیگر دلایل کاهش انگیزه افشا هستند.

در ارتباط با دلایل این چالش که افشا در محیط گزارشگری ایران فاقد اطلاعات کافی، قابل مقایسه و سودمند می‌باشد، ضعف استاندارد و دستورالعمل برای افشا ابزارهای مالی، شکلی بودن گزارشات و کمیته‌ها در ایران، یکنواخت نبودن محل و انشا افشایات بین شرکت‌ها را می‌توان اشاره نمود. از طرف دیگر اطلاعات سودمند در ارتباط با ابزارهای مشتقه شامل میزان تعهد ایجاد شده برای شرکت و ارائه اطلاعات در ارتباط با فعالیت‌های بین دوره‌ای شرکت‌ها می‌باشد، که اغلب به دلیل پایین بودن مبالغ و در نتیجه بی‌اهمیت شمردن اطلاعات برای افشا و کوتاه بودن دوره معاملات مشتقه، در صورت‌های مالی ارائه نمی‌گردد.

IFRS 7 شرکت‌ها را ملزم به افشا اطلاعات در مورد روش‌ها و فرضیات مورد استفاده در اندازه‌گیری ارزش منصفانه می‌نماید. این افشاهای گسترده همراه با افشا روش‌ها و فرضیات مورد استفاده منجر به افزایش مسئولیت پاسخگویی تهیه‌کنندگان اطلاعات از نظر استفاده از اطلاعات و مفروضات منطبق با افشا و پاسخگویی در برابر مفروضات و همخوانی مفروضات با اطلاعات افشا شده می‌گردد که در نتیجه، عدم شفافیت یا عدم وجود تمایل برای بهبود شفافیت را به دنبال دارد.

در خصوص چالش فقدان و ضعف الزامات و ضمانت‌های اجرایی، تا قبل از سال ۱۳۹۸ استاندارد در ارتباط با افشا ابزارهای مالی وجود نداشت و دستورالعمل‌های تهیه شده توسط سازمان

بورس هم بیشتر در ارتباط با ثبت و حسابداری اوراق مشتقه قابل معامله در بازار می‌باشد. بنابراین نبود الزامات و استاندارد و در نتیجه ابزار نظارتی در ارتباط با افشا ابزارهای مالی از جمله دلایل عدم رعایت الزامات افشا اوراق مشتقه در ایران بوده است. لازم به ذکر است استانداردهای حسابداری شماره ۳۶ و ۳۷ در ارتباط با ارائه و افشا ابزارهای مالی از ابتدای سال ۱۳۹۸، تصویب و لازم الاجرا گردیده‌اند. البته در حال حاضر به علت کوچک بودن بازار مشتقات و محدود بودن ابزارها، موارد افشا برای شرکت‌ها محدود می‌باشد اما با گسترش بازار با توجه به روند رو به رشد آن و توسعه ابزارهای مالی، رعایت الزامات افشا منجر به افزایش حجم اطلاعات می‌گردد که از یک طرف می‌تواند باعث گمراه کنندگی استفاده کننده و از طرف دیگر افزایش هزینه‌های گزارشگری مالی برای تهیه کنندگان گردد که از جمله چالش‌هایی است که در حوزه افشا باید به آن توجه نمود. نتایج ما نشان می‌دهد که بسیاری از شرکت‌ها، رویه‌های مدیریت ریسک رسمی، تعریف شده و تحت نظارت ندارند و برای افشا معمولاً به پر کردن فرمت‌های آماده موسسات حسابرسی بزرگ یا فرمت‌های تعریف شده دیگر، بسنده می‌کنند. این موارد می‌تواند نگرانی‌هایی را از نظر شکلی شدن افشاها، ایجاد کند. نمودار شماره ۲ چالش‌های مربوط به افشا اوراق را مشتقه را نشان می‌دهد.



نمودار (۲): چالش‌های مربوط به افشا اوراق مشتقه - منبع: یافته‌های محقق

یکی از نتایج این پژوهش که در بخش یافته‌ها بیان گردید، افزایش حجم، زمان و هزینه‌های گزارشگری مالی است. که با آنچه که ارنست اند یانگ در گزارش خود در ارتباط با تغییرات و چالش‌های IFRS 9 بیان می‌کنند همخوانی دارد. در این گزارش آمده است، ارائه جداگانه سود یا زیان اقلام پوشش یافته (قابل ردیابی به ریسک پوشش یافته) در ترازنامه، چندان جالب توجه نیست، چرا که:

- صورت‌های مالی اولیه، بسته به تعداد روابط پوششی واحد تجاری، شلوغ خواهند شد.
- دارائی‌ها و بدهی‌های حاصله با تعاریف ارائه شده درباره اقلام مذکور در چارچوب هماهنگی نخواهند داشت.

به علاوه افشا اطلاعات در رابطه با استراتژی‌های مدیریت ریسک و چگونگی کاربرد آن برای مدیریت ریسک‌ها، چگونگی اثر فعالیت‌های مدیریت ریسک بر مقدار، زمانبندی و عدم اطمینان جریان‌های نقدی، ابزارهای مصون‌سازی و چگونگی استفاده آنها برای مصون‌سازی ریسک موردنظر، چرایی وجود رابطه بین قلم مصون شده و ابزار مصون‌سازی، چگونگی محاسبه نرخ مصون‌سازی، منابع مورد انتظار عدم اثربخشی، افشا چگونگی تعیین جز مصون شده، افشا قضاوت‌های کلیدی، نوسان در سودها و سود جامع می‌تواند برای شرکت‌ها چالش برانگیز باشد. نتایج تحقیق حاضر نیز این یافته‌ها را تأیید می‌کند.

به علاوه نتایج ما مبنی بر شکلی بودن افشاهای ریسک، افشاهای ناهماهنگ و عدم افشا فعالیت‌های بین دوره‌ای شرکتها در ارتباط با مشتقات، مطالعه بین و ایروین در ۲۰۱۵ را نیز تأیید می‌کند که بیان کردند گرچه افشاها تا حدی مفید است، به شکلی کلی و عاری از اطلاعات مفید تهیه می‌شوند و بر موقعیت‌های پایان سال متمرکز می‌شوند که درک واقعی از ریسک و شیوه‌های مدیریت ریسک، را محدود خواهد کرد. آنها پیشنهاد می‌کنند که شرکت‌ها می‌توانند رضایت استفاده کنندگان را با ارائه اطلاعاتی که کمتر عمومی و بیشتر خاص شرکت هستند، افزایش دهند. همچنین نتایج ما هم سو با نتایج کی پی ام جی ۲۰۱۱ است مبنی بر اینکه افشاها از نظر طولی در حال رشد و از نظر اطلاعات آگاهی دهنده در حال کاهش هستند.

منابع و مآخذ

۱. ابوالمعالی، خدیجه. (۱۳۹۰). پژوهش کیفی از نظریه تا عمل، نشر علم.
۲. چاوشانی، مجتبی؛ بابک جمشیدی، نوید؛ قنبری، مهرداد؛ باغفلکی، افشین. (۱۳۹۸). نقش افشای ابزارها و مشتقات مالی بر اساس استانداردهای حسابداری ایران در بازده مازاد و ارزش شرکت‌ها. فصلنامه مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار. (۹) تابستان ۹۸، ۵۴-۷۱
3. Acharya, V., Brenner, M., Engle, R., Lynch, A., Richardson, M. (2009). Derivatives: the ultimate financial innovation. In: Acharya, V. V. and M. Richardson (Eds.), Restoring financial stability: how to repair a broken system, Wiley. (2009).
4. Ameer, Rashid. "Value-relevance of foreign-exchange and interest-rate derivatives disclosure The case of Malaysian firms", The Journal of Risk Finance Vol. 10 No. 1, , pp. 78-90
5. Aretz, K. and S. Bartram. 2010. Corporate Hedging and Shareholder Value. The Journal of Financial Research 33 (4), 317-371.
6. Baker, C. M. (2009). Regulating the invisible: the case of over-the-counter derivatives. Notre Dame L. Rev., 85, 1287.
7. Bean, Anne, Irvine Helen, (2015). Derivatives disclosure in corporate annual reports: bank analysts' perceptions of usefulness, Accounting and Business Research.
8. Birt Jacqueline, Rankin Michaela, Chen L. Song, (2013). Derivatives use and financial instrument disclosure in the extractives industry. Accounting and Finance (53) 55-83.
9. Bhamornsiri, Sak, Richard G. Schroeder. (2004). The disclosure of information on derivatives under SFAS No. 133 Evidence from the Dow 30, Managerial Auditing Journal, Vol. 19 No. 5. pp. 669-680
10. Chen, J., Y. Dou, and Y. Zou, 2018. Information externalities of disclosure regulation: Evidence from SFAS 161. The Accounting Review.
11. Chalmers, K.G. and Godfrey, J.M. (2000). Practice versus prescription in the disclosure and recognition of derivatives .Australian Accounting Review, 10 (21), 40-50.
12. Campbell John L., Landon M. Mauler, Spencer R. Pierce, (2019). A review of derivatives research in accounting and suggestions for future work, Journal of Accounting Literature (42) 44-60.
13. Durocher, S. and Gendron, Y., 2010. IFRS: on the docility of sophisticated users in preserving the ideal of comparability. European Accounting Review, 20 (2), 233-262.
14. Ernst & Young, (2008). Observations on the Implementation of IFRS 7 in Corporate Entities. London: EYGM Limited.
15. Ernst & Young , (2017). Understanding the disclosure requirements for IFRS 7. www.ey.com .
16. Faubus, B. G. (2010). Narrowing the bankruptcy safe harbor for derivatives to combat systemic risk. Duke Law Journal, 59, 801.

17. Feay, W. & Abdullah, F. (2001). Impact of new derivative disclosures on multinational firms' financing strategies. *Multinational Business Review*, 9(1), 1–8
18. Giner, B, Alliani, A, & Zampella, A, (2020). The Value Relevance of Risk Disclosure: An Analysis of the Banking Sector. *Accounting in Europe*. Volume 17, Issue 2.
19. Heaney, R. and Winata, H., (2005). Use of derivatives by Australian companies. *Pacific-Basin Finance Journal*, 13 (4), 411–430.
20. IASB (2014). Basis for Conclusions on IFRS 9 Financial Instruments. IFRS Foundation Publications Department. www.ifrs.org
21. Judge, A., 2006. Why and How UK Firms Hedge. *European Financial Management* 12 (3), 407-441.
22. Kambhu, J., Keane, F., & Benadon, C. (1996). Price risk intermediation in the over-the-counter derivatives markets: interpretation of a global survey. *Federal Reserve Bank of New York Economic Policy Review*, 2(1), 1-15.
23. Khan, U., B. Li, S. Rajgopal, and M. Venkatachalam, 2018. Do the FASB's standards add shareholder value? *The Accounting Review* 93 (2), 209-247.
24. KPMG, (2011). Disclosure Overload and Complexity: Hidden in Plain Sight. www.kpmg.com.
25. Kothari, S.P., Ramanna, K., and Skinner, D.J., (2010). Implications for GAAP from an analysis of positive research in accounting. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2–3), 246–286.
26. Kota, Hima Bindu and B., Charumathi, Determinants of Financial Derivative Disclosures in an Emerging Economy: A Stewardship Theory Perspective, *Australasian Accounting, Business and Finance Journal*, 12(3), 2018.
27. Krachkovskaya, Inna, (2015). The Regulation of Financial Derivatives: An Agent-Based Model Approach. www.SSRN.com.
28. Lynch, T. E. (2011). Derivatives: A Twenty-First Century Understanding. *Loyola University Chicago Law Journal*, 43.
29. Malaquias Rodrigo Fernandes, Zambra Pablo, (2017). Disclosure of financial instruments: Practices and challenges of Latin American firms from the mining industry, *Research in International Business and Finance*.
30. Minehan, C. E., & Simons, K. (1995). Managing risk in the 90's: what should you be asking about derivatives? *New England Economic Review*, (Sep), 3-25.
31. Nguyen, H, Faff, R., (2002) .On the determinants of derivative usage by Australian companies. *Australian Journal of Management*, 27 (1), 1–24.
32. Papa, V. and Peters, S., (2011). User Perspective on Financial Instruments Risk Disclosures under International Financial Reporting Standards. London: CFA Institute.
33. Papa, V. and Peters, S., (2013). User Perspective on Financial Instruments Risk Disclosures under IFRS Derivatives and Hedging Activities Disclosures. London: CFA Institute.
34. Price waterhouse Coopers, (2010). A practical guide to IFRS 7 for investment managers and investment, private equity and real estate funds. www.pwc.com.

35. Prima Sakti, Muhammad Rizky, Ahmad Syahid, Mohammad Ali Tareq and Akbariah Mohd Mahdzir (2016). Shari'ah issues, challenges, and prospects for Islamic derivatives: a qualitative study. *Qualitative Research in Financial Markets*, Vol. 8 No. 2, pp. 168-190
36. Report and Recommendations Pursuant to Section 133 of the Emergency Economic Stabilization Act of 2008: Study on Mark-To-Market Accounting, United States Securities and Exchange Commission.
37. Roulstone, D.T., (1999). Effect of SEC Financial Reporting Release no. 48 on derivative and market risk disclosures. *Accounting Horizons*, 13 (4), 343–363.
38. Ryan, S.G. (2012). Risk reporting quality: implications of academic research for financial reporting policy. *Accounting and Business Research*, 42 (3), 295–324.
39. Samuel, D. (2009). Subprime Mortgage Crisis: Will New Regulations Help Avoid Future Financial Debacles, *The Alb. Gov't L. Rev.*, 2, 217.
40. Scannella Enzo, Polizzi Salvatore, (2019). Do Large European Banks Differ in their Derivative Disclosure Practices? A Cross-Country Empirical Study. *The Journal of Corporate Accounting & Finance*.
41. Smith, C. W., and R. Stulz, 1985, The determinants of firms' hedging policies, *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 20, 391-405.
42. Tahat, Y., Dunne, T., Fifield, S., & Power, D. (2016). The value relevance of financial instruments disclosure: Evidence from Jordan. *Asian Review of Accounting*, 24(4), 445–473.
43. Tahat, Y. A., Dunne, T., Fifield, S., & Power, D. (2016). The impact of IFRS 7 on the significance of financial instruments disclosure. *Accounting Research Journal*, 29(3), 241–273.
44. Thinggaard, F., (1996). Mark-to-market accounting, hedge accounting or historical cost accounting for derivative financial instruments? A survey of financial analysts in Denmark. *European Accounting Review*, 5(1), 57–75.

Identifying the Challenges of Implementing International Derivatives Accounting Standards: Emphasizing the Disclosure Requirements

Razieh Mahavar pour⁴

Shahnaz Mashayekh⁵

Ali Rahmani⁶

Abstract:

Objective: Given the important role of financial derivatives in the world economy and experience of the necessity of applying high quality and accepted financial reporting standards especially financial instruments standards, the purpose of this study was to identify information disclosure challenges related to derivative instruments in Iranian reporting environment And within the framework of International Financial Reporting Standards.

Method: This study identifies and presents the challenges of disclosing derivative securities and hedge accounting information in accordance with IFRS 7 and IFRS 9, using the qualitative content analysis method of analyzing the data obtained from interviews with 4 experts of auditing, accounting and capital markets of Iran.

Findings: The identified challenges in identifying, measuring and disclosing derivative tools lead to challenging practice requirements. The findings show that the complexity and difficulty of implementing disclosure requirements in practice, along with a lack of incentives to comply with disclosure requirements and lack of transparency in financial reporting, along with the weakness of executive reporting requirements in the Iranian reporting environment, will have negative impact on effectiveness of standard and derivative instruments reporting. Resulting in a lack of sufficient, comparable, useful and reliable information in this area.

Conclusion: Standard setters and professional accounting and auditing communities should be aware of challenges of accounting and reporting of derivative securities and prepare suitable infrastructures for financial reporting of these securities in Iranian financial reporting environment.

Keywords Derivative Bonds, IFRS 7, disclosure, hedge accounting

JEL Classification: M41

⁵⁵ lecturer, Department of Accounting, Faculty of Social and Economic, piam noor University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Mahavarpour_r@pnu.ac.ir

⁵⁶ Associate Professor, Department of Accounting, Faculty of Social and Economic, Al-Zahra University, Tehran, Iran.

⁵⁷ Prof., Department of Accounting, Faculty of Social and Economic, Al-Zahra University, Tehran, Iran.